

بررسی عوامل مؤثر بر قانون گرایی شهروندان (مطالعه موردی: شهروندان استان آذربایجان غربی)

تاریخ دریافت: ۸۸/۶/۱۵

تاریخ پذیرش: ۸۸/۷/۲۰

شهرام واحدی^۱، رحیم بدری^۲، جواد مصرآبادی^۳

چکیده:

هدف: انسان موجودی اجتماعی است و قانون ناموس اجتماعی یک جامعه که بدون رعایت آن نظم و امنیت حاصل نخواهد شد. عوامل متنوع و متعددی نیز در فرآیند قانون گرایی افراد نقش دارند که هدف تحقیق حاضر شناخت و بررسی میزان قانون گرایی در بین شهروندان استان آذربایجان غربی است. برای تبیین قانون گرایی شهروندان از نظریه‌های جامعه شناسی و روان شناسی استفاده شده است.

روش شناسی: جامعه آماری شامل کلیه افراد گروه‌های سنی و جنسی ۲۰الی ۷۵ ساله در استان آذربایجان غربی بود (۲۱۴۵۰۱۲ نفر) که ۸۰۰ نفر از آنان به روش نمونه گیری چند مرحله ای انتخاب شدند و برای گردآوری اطلاعات این پژوهش از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شده است. پژوهش حاضر از نوع کاربردی و از نظر روش پیمایشی است.

یافته ها: یافته های براساس تحلیل رگرسیون چند متغیره گام به گام، نشان دهنده چهار مرحله معنا دار در پیش بینی متغیر وابسته (قانون گرایی) است. در اولین مرحله، مؤلفه عمومیت قانون (عام گرایی) بیشترین رابطه را با متغیر ملاک نشان داد ($R=0.51$). در مرحله دوم، عمومیت قانون و مذهب افراد بالاترین میزان توان پیش بین قانون گرایی را نشان دادند، ($R=0.59; F=0.001$). در سومین مرحله، عمومیت قانون، مذهب و شناخت فرد ۴۲ درصد واریانس متغیر قانون گرایی را پیش بینی کرد ($R^2=0.42$). در مرحله آخر، چهار متغیر (عمومیت قانون، مذهب افراد، میزان شناخت فرد نسبت به قانون و ترس از مجازات) دارای بیشترین توان پیش بینی کنندگی متغیر وابسته بود ($R=0.67; F=0.001$).

نتایج: در مجموع می توان نتیجه گرفت که قانون گرایی با عمومیت قانون، ترس از مجازات، مذهب فرد و اطاعت از قوانین از روی شناخت و آگاهی رابطه معنا داری دارد

کلید واژه ها: قانون / قانون گرایی / قانون گریزی / نگرش به قانون / عام گرایی / ترس از مجازات

۱- استادیار دانشگاه تبریز، مؤلف مسؤل: vahid117@yahoo.com

۲- استادیار دانشگاه تربیت معلم آذربایجان

۳- استادیار دانشگاه تربیت معلم آذربایجان

مقدمه

انسان موجودی اجتماعی، سیاسی و مخلوقی مدنی الطبع است و خدا او را برای زندگی اجتماعی خلق کرده است. یکی از احتیاجات و لازمه های زندگی اجتماعی نظم و امنیت جامعه است که افراد در جریان اجتماعی شدن هنجارها، ارزش‌ها، آداب و قوانین جامعه خود را به تدریج فرا می‌گیرند و آن را جزئی از شخصیت خود قلمداد می‌کنند (قانون پذیری). واضح است که زندگی بدون مقررات و قوانین، نظم و امنیت هر جامعه‌ای را تهدید و باعث سلب آرامش و آسایش افراد جامعه می‌شود. زندگی در جوامع امروزی بدون وجود قوانین که روابط افراد و نهادها، مؤسسات را تنظیم می‌کند، تقریباً غیر ممکن به نظر می‌رسد.

به دیگر سخن، قانون حیثیت و شرف و ناموس اجتماعی یک جامعه است، قانون به زندگی اجتماعی انسان معنا می‌دهد و زندگی را با آسایش امنیت و عدالت توأم می‌سازد و نظم و ثبات اجتماعی را در جامعه تحقق می‌بخشد، تداوم زندگی اجتماعی انسان بدون قانون و مقررات امکان ندارد، پیدایش قانون همزاد با پیدایش جوامع بشری بوده است در جوامع ابتدایی هم بیشتر به صورت ضمنی افراد مابین خود به قراردادهایی جهت امرار معاش تن می‌دادند، قانون لازمه اجتماع انسانی است و به عنوان یک اصل در ذات جوامع مختلف نهفته شده است. به طوری که هیچ اجتماعی بدون تکیه به قانون امیدی به تداوم زندگی خود نخواهد داشت. قانون باید به صورتی وضع و اجرا گردد تا ضمن تأمین امنیت و نظم و مصالح مادی افراد جامعه، باید از ارزش های معنوی انسان‌ها نیز حمایت کند. زیرا حیات شایسته انسانی بدون تحقق این ارزش ها امکان پذیر نخواهد بود. قانون در پی عوامل و ارزش های اجتماعی است و نفس انسان را به خاطر همین هدف مورد بازرسی قرار می‌دهد. وجود فرد و اجتماع هر دو حقیقت دارد و هدف قانون باید حفظ شخصیت انسان و تأمین منافع عمومی باشد. قانون پذیری جامعه که با شرایط فرهنگی در ارتباط است توسط بسیاری از محققان اجتماعی مورد تأکید قرار گرفته است. به‌طور کلی، قانون پذیری جامعه نیاز به توسعه فرهنگی دارد و آن از طریق چهار فرایند زیر قابل دستیابی است:

۱- نگرش علمی بر فرهنگ جامعه حاکم شود: منظور اینکه الگوهای جدید علمی و منطقی طی چنین جریانی در جامعه جایگاه خود را پیدا می کنند و عمدتاً بدان وسیله است که قانون پذیری در جامعه قابل دستیابی است. برای رشد نگرش علمی کشورها و جوامع مختلف در حد امکانات خود سرمایه گذاری های فراوانی در زمینه های آموزش و پرورش، آموزش عالی، تأسیس مؤسسات تحقیقاتی و نظیر آن اعمال کرده اند.

۲- فرهنگ مناسب توسعه اقتصادی در جامعه باید جایگاه خود را پیدا کند. از این طریق و به دنبال دستیابی به عناصر مناسب فرهنگی یک جامعه مورد نظر قادر می شود زمینه های توسعه اقتصادی و اجتماعی خود را فراهم کند و بدان وسیله نظم اجتماعی در جامعه حکمفرما شود.

۳- اعتقاد به لزوم رعایت حقوق دیگران توسعه یابد: این خود جریانی است که از آن طریق توسعه اجتماعی و اقتصادی تا حد زیادی تضمین می شود، یعنی از طریق توسعه انضباط عمومی، انضباط اجتماعی و حفظ حقوق دیگران در جامعه که خود حرکتی فرهنگی است. جامعه می تواند به توسعه اجتماعی دسترسی پیدا کند.

۴- نظم پذیری جمعی به صورت یک باور فرهنگی پذیرفته شود: یعنی اعتقاد و ایمان پیدا کردن به قوانین و هنجارهای اجتماعی، پایبندی به قوانین و زمینه های مختلف انضباط اجتماعی، مجموعه چنین عناصری خود پیش نیاز هر گونه تحول اجتماعی و اقتصادی در جوامع است. به طور کلی، جوامع به طور عام و جوامع جهان سوم به طور خاص در صورتی می توانند به توسعه فرهنگی و قانون پذیری دسترسی پیدا کنند که موارد فوق را مورد توجه قرار دهند. توسعه فرهنگی به عنوان اهرمی است که در نهایت قانون پذیری و سلامت اجتماعی را به دنبال می آورد (شیخی، ۱۳۷۵: ۱۲).

با تمام عنایت و توجهی که بر لزوم و ضرورت وجود قانون بوده و هست، اما متأسفانه آفتی که تمام جوامع کم و بیش با آن مواجه بوده اند بی اعتباری یا کم اعتباری و عدم اجرای صحیح و کامل قوانین است. مواد قانونی در کتب و جزوات بسیار زیبا و با صلابت و آرمانی اند، اما در مرحله اجرا عموم کشورها مشکل دارند و این موضوع کوچکی نیست و معلوم است که اجرا نشدن با وجود نداشتن قانون تفاوت چندانی ندارد. لذا همان عوارض و تبعات بی قانونی شامل حال کشورها می شود (البته به نسبتی که قوانین اجرا نمی شوند). به همین جهت است که عدم اجرای قوانین یک

مشکل جدی و قابل توجه می باشد و لازم است که کشورها با یک بررسی دقیق، کارشناسانه و همه جانبه موانع اجرای قوانین را شناخته در جهت رفع آنها بکوشند. به رغم اهمیتی که امر رعایت قانون و شناخت علل و عوامل مرتبط با بی‌اعتنایی به آن دارد، این موضوع کمتر از دیدگاه جامعه‌شناسی و روان‌شناسی مورد مطالعه قرار گرفته است. با توجه به این مهم پژوهش حاضر قصد دارد عواملی را که در عدم پذیرش قانون در جامعه مؤثر می باشند مورد شناسایی و تجزیه و تحلیل قرار دهد تا بتوان با ارائه راه حل‌های مناسب، گام‌های مؤثری را در جهت افزایش میزان و کارایی بهینه قانون‌پذیری در جامعه اسلامی را برداشت.

اهمیت و ضرورت تحقیق

یکی از احتیاجات و لازمه‌های زندگی اجتماعی نظم و امنیت جامعه است که افراد جامعه در جریان اجتماعی شدن هنجارها، ارزش‌ها، آداب و قوانین جامعه خود را به تدریج فرا می‌گیرند و آن را جزئی از شخصیت خود قلمداد می‌کنند. پر واضح است که زندگی بدون مقررات و قوانین، نظم و امنیت هر جامعه‌ای را تهدید و باعث سلب آرامش و آسایش افراد جامعه می‌شود. زندگی در جوامع امروزی بدون وجود قوانین که روابط افراد و نهادها و مؤسسات را تنظیم می‌کند، تقریباً غیر ممکن به نظر می‌آید.

یکی از مشکلات عمده اکثر کشورهای امروزی به لحاظ حقوقی، میزان و درجه پذیرش واقعی قوانین از سوی افراد جامعه است. هر اندازه میزان پذیرش قانون از سوی اکثریت افراد جامعه کمتر باشد، امکان اجرای درست آنها فراهم نخواهد شد، اجرانشدن قوانین در سطوح خرد و کلان جامعه در بلند مدت مشروعیت قوانین موجود را زیر سؤال می‌برد. این مسئله می‌تواند در ابعاد گوناگون سیاسی، فرهنگی و اخلاقی جامعه اثر گذاشته و احیاناً موجب گسیختگی و بی‌سازمانی اجتماعی را به دنبال داشته باشد (فخرایی، ۱۳۷۸: ۶۴-۸۰). هرچند که مفاد قانونی در کتب و جزوات بسیار زیبا و با صلابت و آرمانی‌اند، اما در مرحله عمل و اجرا اکثر کشورها مشکل دارند. بدیهی است که اجراء نشدن قانون با عدم وجود آن تفاوت چندانی ندارد. لذا برای بیشتر جوامع عدم اجرای قوانین و عوارض و تبعات بی‌قانونی یک مشکل جدی و قابل توجه است (صالحی،

۱۳۷۸: ۱۰۲). در کشور ایران مشکلات فرهنگی و اجتماعی بی شماری در مقابل پذیرش عمومی قانون وجود دارد. ساخت اجتماعی این جامعه به گونه‌ای است که هنوز روابط خویشاوندی، هنجارهای قومی و سنتی و روابط دوستانه غیر رسمی، حاکمیت خود را بر رفتارهای افراد از دست نداده‌اند. این هنجارها و روابط سنتی در کنار قوانین و مقررات رسمی به حیات خود ادامه و دارای کارکرد نیز است. بر این اساس، قانون‌گزینی به عنوان یکی از مسایل عمده جوامع از دیرباز مورد توجه عالمان و سیاستمداران جامعه بوده است. حتی پژوهشگران اجتماعی یکی از مهم‌ترین علل عدم توسعه یافتگی مطلوب کشور را عدم رعایت قانون در جامعه می‌دانند. زیرا جامعه ما از زمان «قائم مقام فراهانی» و «میرزاتقی خان امیر کبیر» قدم در راه توسعه گذاشت، ولی از آن زمان تاکنون حدود ۱۵۰ سال می‌گذرد، آنچنان که باید و شاید به هدف خود دست نیافته است، اما همچنان خواستار توسعه معقول می‌باشد. اغلب نظر سنجی‌ها و تحقیقاتی که به سنجش میزان قانون‌گرایی در بین ایرانیان پرداختند، به این نتیجه رسیدند که در ایران تمایل زیادی به رعایت قانون در جامعه دیده نمی‌شود (محسنی، ۱۳۷۸: ۸۱؛ رفیع پور، ۱۳۷۸ و مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه‌های صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۷: ۳).

اهداف تحقیق

- ۱- شناخت و توصیف عوامل مؤثر بر قانون‌گرایی از ابعاد فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، دولتی-اداری و اقتصادی.
- ۲- تعیین آثار مستقیم و غیر مستقیم خوشبینی نسبت به حکومت، شناخت نسبت به قانون، مشروعیت، عمومیت و باورهای دینی با قانون‌گرایی.

مبانی نظری

هریک از دیدگاه‌های مسلط روان‌شناسی و جامعه‌شناسی با توجه به اصول پارادیمی حاکم بر آنها، از منظری خاص به قانون‌گرایی می‌نگرند. در این رابطه باید توجه کرد که پدیده قانون‌گرایی یا به عنوان یک پدیده فردی یا به عنوان یک موضوع اجتماعی در سطح میانی و کلانی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱- نظریه های روان شناختی

برخی دیدگاه های روان شناختی که به تبیین قانون گرایی پرداخته اند، عبارت اند از: رفتارگرایی، یادگیری اجتماعی و شناختی.

الف) در رویکرد رفتاری؛ زمینه قانون گرایی از طریق قوانین یادگیری و فرایندهای تنبیه و تقویت (مثبت و منفی) ایجاد می شود. اگر جامعه تمامی رفتارهای افراد را در چارچوب مشخص و منسجمی تعیین کند و زمینه کسب قانون گرایی فراهم شود، آنگاه می توان بر اساس نظام کنترل رفتار به خصوص فرایند تقویت رفتارهای مطلوب را افزایش داد (محسنی، ۱۳۸۴: ۵).

ب) نظریه یادگیری اجتماعی بندورا معتقد است نوعاً یادگیری انسان از طریق مشاهده پیامد های رفتار سرمشق یا الگو به دست می آید. این گونه یادگیری جانشینی به توسط استعداد آدمی در نمادسازی و ذخیره سازی اطلاعات و بعد عمل کردن بر روی اطلاعات امکان پذیر است. وی معتقد است بین رفتار، محیط و شخص یک تعامل متقابل وجود دارد (هرگنهان، ۱۳۸۲: ۳۸۳).

ج) نظریه شناختی؛ در نظریه های شناختی عوامل اصلی نگهدارنده رفتار فرایندهای شناختی فرض می شود. افراد براساس ادراکی که از امور و رویدادها دارند به آنها واکنش نشان می دهند (سیف، ۱۳۷۳، ص ۴۲۴).

۲- نظریه های جامعه شناختی

دانشمندان علوم اجتماعی برای تبیین رفتارهای ناپهنجار و تخلف آمیز افراد براساس رویکردهای نظری، تعبیر و تفسیرهای مختلفی ارائه می دهند.

الف) از نظر کارکردگرایان بی قانونی و اعمال خلاف مقررات، برای خلافکاران و قانون گریزان کارکرد مثبت و سازنده دارند و منافع تمنیات آنها را برآورده می سازد. لذا آنها حاضر نیستند از منافع خود چشم ببوشند و از اعمال خلاف قانون دست بردارند (خاتمی، ۱۳۷۷: ۶). به زعم پیروان این مکتب، کجروی محصولی از زندگی جمعی انسان است (یعقوبی، ۱۳۸۱: ۳۲).

ب) نظریه بی هنجاری؛ از نظر دورکیم سستی هنجارهای اجتماعی پیشین و بی اعتبار شدن سنت ها و پیوند های گروهی معمول به واسطه پیشرفت و توسعه

اجتماعی، علت اصلی شرایط بی‌هنجاری و آنومیک است. در ایران چندین دهه است که برنامه ریزی در جهت توسعه اقتصادی، اجتماعی به اجرا گذاشته شده و بسیاری از ساختارها و صور زندگی اجتماعی [در استان آذربایجان غربی] در نتیجه مهاجرت‌ها، افزایش جمعیت، شهرنشینی و تحرک اجتماعی تغییر یافته است، لیکن تعلقات گروهی همبستگی و وفاق پیشین، همراه با هنجارهای مرتبط با آن هنوز وجود دارد و از نفوذ و کارایی بالایی در نظام اجتماعی ایران برخوردار است (معیدفر، ۱۳۷۹: ۲۲۰). با این حال وی معتقد بود که هیچ جامعه‌ای به وضعیت بی‌هنجاری کامل نمی‌رسد، اما در برخی شرایط میزان بی‌هنجاری در روابط اجتماعی و بخش‌های خاصی از جامعه اوج می‌گیرد. به زعم او، زمانی که قواعد اجتماعی در جوامع پیچیده‌ای که با کاهش همبستگی و وفاق روبه‌روست، کمتر التزام آور می‌شود و مردم احساس می‌کنند که از فشار هنجاری‌های اجتماعی کاسته شده است، آنگاه افزایش شواهد انحرافات همچون، جرم و قانون‌گریزی اجتناب‌ناپذیر می‌شوند. دورکیم این وضعیت جامعه را آنومی یا بی‌هنجاری می‌خواند (یعقوبی، ۱۳۸۱: ۴۰).

آنومی از نظر مرتن حاصل شرایطی است که در آن هنجارها به عنوان شیوه‌های جمعی حصول موفقیت نمی‌توانند به خوبی عمل کنند. در نتیجه، شیوه‌های فردی برای کسب موفقیت جایگزین می‌شوند. از نظر مرتن، آنومی به « فشاری اطلاق می‌شود که وقتی هنجارهای پذیرفته شده با واقعیت اجتماعی در ستیزند، بر رفتار افراد وارد می‌شود». مفهوم آنومی در نظریه مرتن حاصل شرایط نابسامان ساختاری است؛ وضعیتی که در آن تناسبی بین آرمان‌ها و اهداف نهادی شده و وسایل نهادی شده جامعه (هنجارها) وجود ندارد، این وضعیت ساختاری، کنشگران را به سوی قانون‌گریزی سوق می‌دهد. ایشان معتقد بود جامعه‌ای آنومیک است که در آن خواست‌ها و نیازهای اجتماعی، تناسب معقولی با وسایل و امکانات برای برآوردن آن نیازها و خواست‌ها نداشته باشد. مثلاً جامعه‌ای بر آرمان‌هایی تکیه کند و به آن پافشاری نماید، بدون اینکه وسایل و تمهیدات و امکانات رسیدن به این آرمان‌ها تقریباً برای اغلب افراد جامعه فراهم شده باشد. پیامدهای دیگر شرایط آنومیک از نظر مرتن، بروکراسی مخرب و پیدایش و شیوع انواع مشاغل و فعالیت‌های غیر قانونی (مسافر

کشی، قاچاق و...) یا شیوه های ابداعی کسب موفقیت است (معیدفر، ۱۳۷۹: ۲۱۶ و ۲۲۳).

ج) نظریه معاشرت متفاوت ساترلند برعکس نظریه آتومی مرتن که با نرخ های رفتار نابهنجار تحت موقعیت های معین سروکار دارد، به جنبه های تعاملی منحرف شدن تمرکز دارد. تأکید این نظریه بر فرایندهای تعاملی است که فرد از طریق آنها رفتار قانون شکنانه را فرا گرفته و ظاهر می سازد. فرض اصلی ساترلند این است که مردم در معاشرت با دیگران ارزش ها، هنجارها، انگیزش ها، استدلال های عقلانی و شیوه های رفتاری انطباقی و غیر انطباقی را می آموزند (یعقوبی، ۱۳۸۱: ۴۵).

د) الگوی کنترل اجتماعی؛ هیرشی عمل کجروی را ناشی از فقدان کنترل اجتماعی می داند. وی استدلال می کند آنانی که پیوند قوی با جامعه دارند، از شکستن قواعد و معیارهای آن خودداری می کنند و آنهایی که با هنجارهای جامعه پیوند ضعیفی دارند و یا هیچ پیوندی را با آنها ندارند برای کجروی مستعدتر و آزادتر هستند. هیرشی عناصری از قبیل «دلبستگی فرد به افراد خانواده و نهادهای اجتماعی»، «تعهد نسبت به جامعه»، «مشارکت در نقش ها و فعالیت های اجتماعی» و «باور و وفاداری فرد به ارزش ها و هنجارهای اخلاقی و اجتماعی» را پیوند دهنده افراد به یکدیگر و جامعه می داند (سلیمی و داوری، ۱۳۸۶: ۳۹۰).

ر) دیدگاه تضاد؛ استدلال پیروان این نظریه در مورد اطاعت از قانون این است که دستگاه حقوق جامعه در این جهت طراحی شده است که نظام عدم تساوی را تضمین و تقویت کند. قانون ابزاری است که از طریق برگزیدگان به منظور سلطه و نظارت بر طبقات پایین جامعه مورد استفاده قرار می گیرد (محسنی، ۱۳۷۸: ۸۱).

و) نظریه بی سازمانی اجتماعی؛ پیروان این دیدگاه معتقدند که مهاجرت، صنعتی شدن و رشد سریع شهری، موجبات زیر پا گذاشتن یا عدم پیروی از الگوهای تثبیت شده و کاملاً سازمان یافته زندگی را فراهم می آورند و این الگوها به طور متقابل به وسیله قواعد رفتاری که از توافق عمومی برخوردار هستند، هدایت می شوند. قواعد مذکور در مواقعی که تغییر اجتماعی سریع به وجود می آید از هم پاشیده می شوند. از این رو، مردم معیارهای را که به روابط و رفتارهای آنها نظم می بخشد، از دست می دهند. به دنبال بی سازمانی اجتماعی حاصل در مناطقی که به وسیله جمعیت های

ناپایدار مشخص می شوند، زمینه‌های مناسبی برای تخطی از قانون به وجود می آید (یعقوبی، ۱۳۸۱: ۴۶).

پیشینه موضوع و تحقیقات انجام شده

علی وردی نیا (۱۳۷۳: ۳۰) نیز در تحقیق خود با عنوان «مطالعه جامعه شناختی، میزان قانون ستیزی در استان مازندران» نشان داد که از میان سه متغیر صنعتی شدن، میزان سواد، توسعه شهری در استان مازندران مهم‌ترین پیش بینی کننده قانون ستیزی در شهروندان متغیر صنعتی شدن (ضریب مسیر ۰/۴۵) بوده است.

نتایج تحقیق محسنی (۱۳۷۸: ۸۱) نشان داد بین جنسیت و وضعیت تاهل پاسخگویان و نگرش آنها در رابطه با اطاعت از قانون رابطه معناداری وجود نداشت، ولی بین سن پاسخگویان و اطاعت از قانون رابطه معناداری وجود داشت. بدین معنا که جوان‌ترها بیشتر موافق عدم اطاعت از قانون هستند. ایشان در مورد متغیرهای فرهنگی یادآور شدند که با ارتقای سطح سواد، نگرش مبتنی بر اطاعت از قانون تقویت می‌شود. همین طور با کاربرد بیشتر رسانه‌ها و مطبوعات توجه به قانون بیشتر می‌شود، اما استفاده از نوارهایی ویدئویی در برخی از افراد گرایش به عدم اطاعت از قانون را تقویت می‌کند. علاوه بر این، نگرش در باره اطاعت از قانون رابطه‌ای معناداری با شاخص رضایت اجتماعی نشان نمی‌دهد. از نتایج دیگر این تحقیق می‌توان اشاره کرد کسانی که خانوار خود را از نظر رفاه در سطح پایین‌تری ارزیابی می‌کنند، مخالفت بیشتری با عدم اطاعت از قانون ابراز کرده‌اند. همچنین از نظر شغلی تمایل به عدم اطاعت از قانون در میان کارگران و کسبه از سایر قشرهای دیگر قوی‌تر و در گروه کارمندان و بازرگانان از دیگران ضعیف‌تر است. تمایل به عدم اطاعت از قانون در میان بازنشستگان کمتر و در میان بیکاران بیشتر است. در خانوارهای کم درآمد تمایل به نادیده گرفتن قوانین قدرت بیشتری دارد و به موازات ارتقای موقعیت طبقاتی بر توجه به قانون افزوده می‌شود.

نتایج تحقیق رازقی (۱۳۷۷: ۴۶) نشان می‌دهد که متغیرهای مستقل مورد مطالعه به میزان ۴۴ درصد از کل تغییرات متغیر وابسته یعنی قانون شکنی را تبیین می‌کند. از میان عوامل مرتبط با قانون گریزی از جمله توزیع نابرابر درآمدها در استان‌ها و بالا

بودن نرخ مهاجرت در استان های کشور، میزان سواد افراد در رابطه قانون شکنی، میزان تورم و شاخص های اقتصادی، میزان شهر نشینی، بیکاری، الگوهای بهینه سازی توسعه یعنی نرخ مناسب رشد جامعه، بیشترین همبستگی (۵۸ درصد) به عامل مهاجرت در استانها مربوط بوده است و پس از آن ضریب جینی به میزان ۴۲ درصد با قانون شکنی در استانها همبستگی داشته است و بقیه متغیرها همبستگی معنا داری نداشته است.

کلانتری، ربانی و صداقت (۱۳۸۴: ۶۵) عوامل فردی و فرهنگی- اجتماعی مؤثر بر قانون گرایی و قانون گریزی شهروندان تبریز را مورد بررسی قرار دادند و یافته های پژوهش وی نشان داد که قانون گرایی زنان و شهروندان متأهل بالاتر از مردان و شهروندان مجرد است. همچنین قانون گریزی طبقات پایین نیز نسبت به طبقات متوسط و بالا بیشتر بود. قانون گرایی به متغیرهای شهروندی، مشارکت اجتماعی، نگرش دینی و نگرش به قانون بستگی دارد. به طوری که هر چه سطح مشارکت اجتماعی شهروندان همراه با عدم فقر فرهنگی و اجتماعی باشد، به همان مقدار نیز قانون گرایی آنان بالاتر است.

علاوه بر این، نتایج به دست آمده از تحقیق رضایی (۱۳۸۴ : ۶۶) نشانگر آن است که احساس آنومی، میزان رواج زور در جامعه، خاص گرایی، تصور از میزان اعمال نظارت و اعتماد به نظام سیاسی، بیشترین تأثیر را نسبت به سایر متغیرها بر قانون گریزی ابزاری داشته است. متغیرهای ذکر شده در مجموع ۲۹ درصد واریانس قانون گریزی ابزاری را تبیین می کنند. احساس آنومی، میزان رواج زور در جامعه، خاص گرایی، اعتماد به نظام سیاسی، تحصیلات، سن و ارزیابی از قطعیت نظام تنبیهی حدود ۵۰ درصد واریانس متغیر قانون گریزی اعتراضی را تبیین می کنند. قانون گریزی اخلاقی بیش از همه تابع خاص گرایی، اعتماد به نظام سیاسی و سن است. متغیرهای مذکور در مجموع ۱۵ درصد واریانس قانون گریزی اخلاقی را تبیین می کند. شاخص کلی قانون گریزی که از سه شاخص قانون گریزی اخلاقی، اعتراضی و ابزاری ساخته شده بیشترین رابطه را با احساس آنومی و میزان رواج زور در جامعه داشته است. یافته های دیگر این پژوهش نشان داد که متغیرهای تصور از میزان اعمال

نظارت، ارزیابی از قطعیت نظام تنبیهی، اعتماد به نظام سیاسی و خاص گرای بی‌شترین تأثیر را بر شاخص کلی قانون‌گریزی دارند.

۴۷ نتایج پژوهش انجام یافته در اداره کل ارشاداسلامی استان آذربایجان غربی (۱۳۷۵):
 (۱) حاکی از آن است که نقش روش‌های تربیتی و طرز برخورد والدین، نقش آموزش و آشنایی با قوانین و رسانه‌های گروهی تأثیر زیادی بر قانون‌گرایی داشته است. همچنین نتایج بیانگر این است که بین میزان رعایت قانون و متغیرهایی از قبیل سن، میزان تحصیلات رابطه معناداری وجود داشت. بالاخره میزان پایداری و دوام و قوت قانون، الگوپذیری از گروه، تربیت خانوادگی روابط شغلی و طبقه‌ای بر رعایت قانون از سوی افراد مؤثر بوده‌اند. با توجه به پیشینه نظری و تحقیقات انجام یافته، پرسش اساسی پژوهش حاضر این بود چه عواملی موجب تقویت و تعمیق قانون‌گرایی در بین شهروندان استان آذربایجان غربی می‌شوند؟

فرضیات تحقیق

با توجه به پیشینه نظری و تحقیقات انجام یافته، تعدادی از فرضیه‌ها با الهام از نظریه‌های روان‌شناختی و جامعه‌شناختی به صورت مستقیم و غیرمستقیم ساخته شده‌اند. فرضیه‌های پژوهش حاضر عبارتند از:

براساس دیدگاه رفتارگرایان و یادگیری اجتماعی رفتار افراد به وسیله پیامد‌های رفتار کنترل می‌شود. مکانیسم‌های تشویق و تنبیه موجود در فرایند کنش متقابل اجتماعی در یادگیری رفتار قانونی یا ارتکاب رفتار کجروانه نقش بسیار مهمی دارد. مجازات صرفاً نوعی مکانیسم بازدارنده است که آثار خود را از طریق کاستن میزان دستیابی فرد به لذت‌ها و پاداش‌های کجروی بر جا می‌نهد. بنابراین به نظر می‌رسد بین ترس از مجازات و عمل به قانون رابطه‌ای معنادار وجود دارد.

دیدگاه تضاد بر این نکته تأکید دارد که قوانین در دفاع مستقیمی از منافع طبقه حاکم است که اعضای طبقه حاکم قوانین جزایی را نادیده می‌انگارد. سه فرضیه خود را بر پایه این دیدگاه بنا ساختیم. به نظر می‌رسد بین عمومیت، مشروعیت قانون، نگرش نسبت به حکومت و عمل به قانون رابطه‌ای معنادار وجود دارد.

مطابق الگوی کنترل اجتماعی، دین اهرم کارآمد استحکام و دوام بخشیدن به همبستگی اجتماعی است و نقش کنترلی خود با تقویت ارزش‌ها و هنجارها در بین پیروان خود به شکل مؤثری ایفا می‌کند. بنابراین به نظر می‌رسد بین پایبندی به اعتقادات مذهبی و عمل به قانون رابطه‌ای معنادار وجود دارد. با توجه به فرض‌های بنیادی نظریه شناختی و نظریه معاشرت متفاوت ساترلند به نظر می‌رسد شناخت و آگاهی به قانون و عمل به قانون رابطه‌ای معنادار وجود دارد.

روش شناسی تحقیق

پژوهش حاضر از نوع پژوهش، کاربردی و روش آن، پیمایشی است. جامعه آماری پژوهش حاضر را کلیه افراد گروه‌های سنی و جنسی استان آذربایجان غربی (۲۰ الی ۷۵ ساله زن و مرد) تشکیل می‌دادند که حداقل به مدت دو سال در استان آذربایجان غربی اقامت داشتند. تعداد ۶۶۵ نفر به عنوان حجم نمونه با استفاده از فرمول نمونه‌گیری کوکران با در نظر گرفتن خطای $0/01$ و دقت برآورد $d = 0/05$ و حداکثر واریانس $pq = 0/25$ برآورد شد.

به منظور کاهش واریانس خطای نمونه‌گیری و افزایش معرف بودن نمونه تعداد حجم نمونه نهایی نزدیک به ۸۰۰ نفر به روش نمونه‌گیری چند مرحله‌ای انتخاب شدند. استان آذربایجان غربی با توجه به پراکندگی جغرافیایی و تنوع فرهنگ به سه قسمت شمال و جنوب و مرکز تقسیم شد؛ برای گردآوری داده‌ها، از شمال استان سه شهرستان (ماکو، خوی و سلماس) و از جنوب چهار شهرستان (تکاب، میاندوآب، مهاباد و بوکان) و از قسمت مرکزی، شهر ارومیه به صورت تصادفی ساده برگزیده شد. به این ترتیب، در مرحله اول، شهرها با توجه به ویژگیهای اقتصادی و اجتماعی به سه منطقه بالا، متوسط و پایین تقسیم شدند، در مرحله دوم، مناطق انتخاب شده با توجه به نقشه تفصیلی شهر به حوزه‌های مختلف تقسیم و از هر حوزه تعدادی بلوک جهت جمع‌آوری اطلاعات انتخاب شدند. بعد از انتخاب بلوک‌های شماره‌گذاری شده فهرستی از خانوارها تهیه و از میان خانوارها، نمونه‌گیری تصادفی به عمل آمد. از هر ده خانوار یک خانوار به عنوان نمونه برگزیده شدند. پرسشگران بعد از دریافت

پرسشنامه ها موظف شده اند بر اساس بلوک های مورد نظر نسبت به تکمیل آنها اقدام کنند و سپس برای تجزیه و تحلیل و تدوین آن به مجری طرح ارسال نمایند. برای جمع آوری داده های پژوهش از پرسشنامه قانون گرایی محقق ساخته استفاده شد. ضریب آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه ۰/۸۹ به دست آمد. پس از تهیه سؤالات پرسشنامه و اصلاحات علمی و ادبی توسط ناظر و چند نفر از کارشناسان، از تحلیل عاملی برای تعیین روایی سازه و از ضریب آلفای کرونباخ برای بررسی پایایی پرسشنامه استفاده شد. نتیجه تحلیل عاملی در تعیین روایی سازه حاکی از آن بود که آزمون از شش عامل (خوشبینی نسبت به حکومت، شناخت نسبت به قانون، مشروعیت، عمومیت، قانون گرایی و قانون گریزی) تشکیل شده است که همه شش عامل با نمره کل آزمون همبستگی مثبت و بالایی داشته است.

یافته ها

جدول شماره یک - نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین قانون گرایی با عمومیت قانون و...

متغیرها	عمومیت قانون	مذهب	شناخت نسبت به قانون	ترس از مجازات
مقدار همبستگی	۰/۵۰	۰/۳۶	۰/۳۸	۰/۳۶
سطح معناداری	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱
تعداد	۵۶۸	۵۶۸	۵۶۸	۵۶۸

همان طوری که در جدول شماره یک مشاهده می شود بین قانون گرایی با عمومیت قانون، مذهب افراد، میزان شناخت فرد نسبت به قانون و ترس از مجازات رابطه مثبت و معنا داری وجود دارد، یعنی هرچقدر عمومیت قانون، میزان شناخت از قانون و ترس از مجازات در بین افراد بیشتر باشد، میزان قانون گرایی و قانونمندی آنها بیشتر خواهد بود. همچنین بین باورهای مذهبی افراد و عمل به قانون نیز همبستگی مثبت معناداری وجود دارد.

به منظور بررسی فرضیه های پژوهش از روش آماری رگرسیون چند متغیره گام به گام^۱ استفاده شد. در این روش متغیرهای مانند عمومیت قانون، مشروعیت، ترس از مجازات، شناخت قانون، خوشبینی نسبت به حکومت و مذهب به عنوان متغیرهای پیش بین، و عمل به قانون (قانونگرایی) به عنوان متغیر ملاک مورد بررسی قرار گرفتند. به این ترتیب، متغیرهای پیش بین با توجه به شدت ارتباط شان با متغیر ملاک (از قوی ترین تا ضعیف ترین ارتباط) به ترتیب وارد معادله شده و متغیرهای پیش بین که سهم معناداری در افزایش دقت پیش بینی متغیر ملاک نداشته اند، وارد معادله نشده اند. نتایج به دست آمده در جدول شماره دو ارائه شده است.

جدول شماره دو- آماره های تحلیل رگرسیون چندگانه قانون گرای

مدل رگرسیون	ضریب همبستگی چندگانه	ضریب تبیین	ضریب تصحیح شده	خطای استاندارد	F	سطح معناداری
مرحله ۱*	۰/۵۱	۰/۲۵	۰/۲۵	۵/۶۰	۴۹/۱۶	۰/۰۰۱
مرحله ۲**	۰/۵۹	۰/۳۵	۰/۳۴	۵/۲۴	۲۲/۰۹	۰/۰۰۱
مرحله ۳***	۰/۶۴	۰/۴۲	۰/۴۰	۴/۹۹	۱۵/۴۷	۰/۰۰۱
مرحله ۴****	۰/۶۷	۰/۴۵	۰/۴۳	۴/۸۷	۸/۵۹	۰/۰۰۴

*متغیر پیش بین: عمومیت قانون ***متغیر پیش بین: عمومیت قانون و مذهب افراد
 متغیر پیش بین: عمومیت قانون، مذهب افراد و شناخت نسبت به قانون *
 متغیر پیش بین: عمومیت قانون، مذهب افراد، میزان شناخت فرد نسبت به قانون و ترس از مجازات

نتایج جدول شماره دو و سه نشان دهنده توانایی پیش بینی کنندگی بیشتر عمومیت قانون از عوامل مؤثر بر قانون گرایی در بین تمامی متغیرهای مستقل است با توجه به داده های مرحله یک، می توان بیان داشت که ضریب همبستگی چندگانه

1- step wise

($R=0/51$) و ضریب تبیین ($R^2=0/25$) در سطح $F=0/001$ ، از لحاظ آماری معنا دار است. به عبارت دیگر مؤلفهٔ عمومیت قانون ۰/۲۵ درصد واریانس مشترک متغیر قانون‌گرایی را تبیین می‌کند. نتایج مرحله دوم، حاکی از سطح معنا داری ($F=0/001$) ضریب همبستگی چندگانه ($R=0/59$) و ضریب تبیین ($R^2=0/35$) است. بدین معنا است که مجموع عمومیت قانون و مذهب افراد دارای ۳۵ درصد واریانس مشترک با متغیر وابسته می‌باشند. نتایج مرحله سوم نشان می‌دهد که ضریب همبستگی چندگانه ($R=0/64$) و ضریب تبیین ($R^2=0/42$) در سطح $F=0/001$ معنا دار است. بنابراین می‌توان گفت مجموع متغیرهای عمومیت قانون، مذهب و شناخت فرد نسبت به قانون ۴۲ درصد واریانس متغیر قانون‌گرایی را پیش‌بینی می‌کند. در نهایت، نتایج بدست آمده در مرحله چهارم این روش، نشان دهندهٔ معنا داری ضریب همبستگی چندگانه ($R=0/67$) و ضریب تبیین ($R^2=0/45$) در سطح $F=0/001$ می‌باشد. لذا مجموع متغیرهای پیش‌بین شرکت‌کننده در این مرحله (عمومیت قانون، مذهب افراد، میزان شناخت فرد نسبت به قانون و ترس از مجازات) دارای ۴۵ درصد واریانس مشترک با متغیر ملاک بود. به طور کلی در مقایسه چهار مرحله بایستی بیان داشت که بیشترین میزان تبیین واریانس مشترک متغیر ملاک از سوی متغیر پیش‌بین عمومیت قانون بود.

جدول شماره سه - تحلیل واریانس هر مرحله از رگرسیون چندگانه گام به گام

سطح معناداری	F	MS	df	SS	محل رگرسیون	
۰/۰۰۱	۴۹/۱۶	۱۵۴۲/۰۷	۱	۱۵۴۲/۰۷	رگرسیون	مرحله ۱*
		۳۱/۳۷	۱۴۷	۴۶۱۰/۹۹	باقیمانده	
			۱۴۸	۶۱۵۳/۰۶	کل	
۰/۰۰۱	۳۹/۱۵	۱۰۷۴/۰۲	۲	۲۱۴۸/۰۴	رگرسیون	مرحله ۲**
		۲۷/۴۳	۱۴۶	۴۰۰۵/۰۲	باقیمانده	
			۱۴۸	۶۱۵۳/۰۶	کل	
۰/۰۰۱	۳۳/۸۵	۸۴۴/۷۳	۳	۲۵۳۴/۱۹	رگرسیون	مرحله ۳***
		۲۴/۹۶	۱۴۵	۳۶۱۸/۸۷	باقیمانده	
			۱۴۸	۶۱۵۳/۰۶	کل	
۰/۰۰۱	۲۸/۸۶	۶۸۴/۴۷	۴	۲۷۳۷/۸۶	رگرسیون	مرحله ۴****
		۲۳/۷۲	۱۴۴	۳۴۱۵/۱۹	باقیمانده	
			۱۴۸	۶۱۵۳/۰۶	کل	

*متغیر پیش بین: عمومیت قانون ** متغیر پیش بین: عمومیت قانون و مذهب افراد
 متغیر پیش بین: عمومیت قانون، مذهب افراد و شناخت نسبت به قانون *
 متغیر پیش بین: عمومیت قانون، مذهب افراد، شناخت نسبت به قانون و ترس از مجازات.

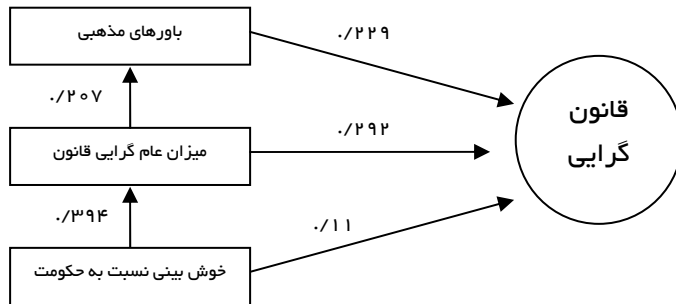
جدول شماره چهار ۴- آماره های مربوط به متغیرهای مستقل مدل رگرسیون به روش گام به گام

مدل رگرسیون	عرض از مبدأ	ضرایب غیر استاندارد		t	سطح معناداری
		ضرایب استاندارد	ضریب رگرسیون خطی معیار		
مرحله ۱	عرض از مبدأ	۲۶/۱۸	۲/۶	۱۰/۱	۰/۰۰۱
	عمومیت قانون	۰/۷۶	۰/۱۱	۷/۰۱	۰/۰۰۱
مرحله ۲	عرض از مبدأ	۱۸/۲۳	۲/۹۶	۶/۱۶	۰/۰۰۱
	عمومیت قانون	۰/۵۹	۰/۱۱	۵/۴۷	۰/۰۰۱
مرحله ۳	مذهب افراد	۰/۷۵	۰/۱۶	۴/۷	۰/۰۰۱
	عرض از مبدأ	۱۲/۶۱	۳/۱۷	۳/۹۸	۰/۰۰۱
	عمومیت قانون	۰/۴۶	۰/۱۱	۴/۲۷	۰/۰۰۱
مرحله ۴	مذهب افراد	۰/۷۳	۰/۱۵	۴/۸۱	۰/۰۰۱
	شناخت نسبت به قانون	۰/۵۹	۰/۱۵	۳/۹۳	۰/۰۰۱
	عرض از مبدأ	۹/۷۴	۳/۲۴	۳/۰۱	۰/۰۰۳
	عمومیت قانون	۰/۳۶	۰/۱۱	۳/۳۳	۰/۰۰۱
مرحله ۵	مذهب افراد	۰/۷۱	۰/۱۵	۴/۸	۰/۰۰۱
	شناخت نسبت به قانون	۰/۵۷	۰/۱۵	۳/۹	۰/۰۰۱
	ترس از مجازات	۰/۵۹	۰/۲۰	۲/۹۳	۰/۰۰۴

*متغیر پیش بین: عمومیت قانون **متغیر پیش بین: عمومیت قانون و مذهب افراد ***متغیر پیش بین: عمومیت قانون، مذهب افراد و شناخت نسبت به قانون ****متغیر پیش بین: عمومیت قانون، مذهب افراد، شناخت نسبت به قانون و ترس از مجازات.

نتایج به دست آمده از انجام تحلیل رگرسیون به روش گام به گام روی داده ها در جدول شماره چهار نشان می دهد که ضرایب بتا و میزان t ، حاکی از وجود رابطه مثبت هر چهار متغیر عمومیت قانون، مذهب افراد، شناخت نسبت به قانون و ترس از مجازات با قانونمندی و قانون گرایی است. به عبارت دیگر، با افزایش عمومیت قانون، تقویت بینش مذهبی افراد، اطلاع رسانی قوانین مصوب و ایجاد ترس از مجازات می توان قانون گرایی را در بین مردم ترویج کرد. با توجه به نتایج رگرسیون (Beta) مشخص می شود که از بین متغیرهای پیش بینی کننده، عمومیت قانون بالاترین میزان تأثیر گذاری را در تبیین قانون گرایی داشته و مؤلفه ترس از مجازات کمترین سهم تأثیر را به خود اختصاص داده است. در مجموع، چهار متغیر فوق در میان کلیه

متغیرها، دارای بیشترین توان پیش بینی‌کنندگی معنا دار برای متغیر ملاک(قانونمندی و قانون گرایی) است.



نمودار شماره یک تحلیل مسیر مؤثر بر شاخص نهایی قانون گرایی

درنمودار شماره یک مسیرحاصل از ضرایب مسیر ارائه شده است. بر اساس متغیرهای پیش بین، الگوهای مختلفی برای تبیین عوامل مؤثر بر قانون گرایی قابل فرض است. اما بسیاری از روابط در الگوهای فرضی، در سطح معنا داری قابل قبول واقع نمی شوند. براساس این الگوسه متغیر یعنی باورهای مذهبی، میزان عام گرایی قانون و خوش بینی نسبت به حکومت به عنوان متغیر مستقل و متغیر تابع رابطه معنا داری نشان دادند و توانسته اند ۳۸ درصد از عوامل مؤثر بر قانون گرایی را تبیین کنند.

بحث و نتیجه گیری

با توجه به نتایج به‌دست آمده پژوهش حاضر، از بین عوامل مؤثر بر قانون گرایی، عمومیت قانون، مذهب افراد، میزان شناخت فرد نسبت به قانون و ترس از مجازات بیشترین تأثیر را بر قانون گرایی شهروندان استان آذربایجان غربی داشته است. از بین عوامل فوق، مهم‌ترین عامل، مؤلفه عمومیت قانون بوده است. منظور ازعمومیت قانون عبارت از این است که قانون برای همه افراد جامعه وضع می شود و در هنگام وضع آن

هیچ گونه تبعیض در نظر گرفته نمی شود. همه آحاد مردم حق دارند از مزایایی که قانون برای آنها وضع کرده است، برخوردار شوند. در واقع، عمومیت قانون هم به معنا استفاده عموم از مزایایی قانون و هم به معنا مجازات عموم کسانی که آن را محترم نمی شمارند را شامل می شود. نتایج این پژوهش نشان داد که شهروندان استان آذربایجان غربی زمانی که در می یابند که قوانین از مشروعیت و مقبولیت عمومی برخوردار است، به همان میزان، تبعیت آنان از قوانین بیشتر می شود.

یکی دیگر از عوامل مؤثر بر قانون گرایی، پایبندی به مذهب و نگرش های دینی شهروندان بود. یافته های نظری و تجربی بیانگر این است که دین و راهکارهای دینی در زمینه بازدارندگی از کجروی و ایجاد و حفظ نظم اجتماعی مؤثر است (سلیمی و داوری، ۱۳۸۶ : ۵۳۴). به عبارت دیگر، دین از طریق پایبندی فرد به مجموعه ای از معیارهای هنجاری که با ضمانت های اجرایی و اجتماعی همراه است به عنوان نوعی مکانیسم کنترل بیرونی عمل می کند. این ضمانت ها در بستر کنش متقابل میان دینداران و در خلال فرایندهای مانند نفوذ اجتماعی، یادگیری، همنشینی یا تقویت و گاه در شکل نکوهش های اخلاقی جلوه گر می شوند. سرچشمه این نکوهش نیز اغلب در آموزه های دینی است (بورکت و همکاران، ۲۰۰۱ : ۴۴۹). بنابراین در این تحقیق نیز تعهد افراد به مجموعه ای از باورهای مذهبی به عنوان نوعی منبع کنترل بیرونی و درونی عمل کرده و موجب تقویت رفتار قانونمندی آنان شده است.

نتایج دیگر این تحقیق نشان داد افرادی که قانون را از روی شناخت و آگاهی پذیرفته اند، به میزان نسبتاً بالایی قانون را در عمل رعایت می کنند. در تبیین این یافته نظریه پردازان شناخت اجتماعی معتقدند که جامعه برای آنکه انتظام خود را حفظ کند و به حیات خود ادامه دهد، اعضای جامعه باید از طریق فرایند جامعه پذیری هنجارها، ارزش ها، آداب و قوانین جامعه خود را به تدریج کسب کنند و آن را جزیی از شخصیت خود قلمداد کنند. بدیهی است برخی مواقع ممکن است در روند جامعه پذیری و یادگیری اجتماعی نارسایی هایی پدید آید. به عبارت دیگر، جامعه پذیری ممکن است به شکل تام و تمام، در خصوص یک فرد صورت نپذیرد و فرد نتواند همه آنچه که به او منتقل می شود فرا بگیرد و درونی کند. طوری که ساترلند نیز اشاره دارد که اعضای

جامعه شیوه‌های رفتاری سازگاران و ناسازگاران در معاشرت با دیگران را می‌آموزند (یعقوبی، ۱۳۸۱: ۴۵).

با این وجود، قانون‌گریزی و عدم تبعیت از قانون موقعی رخ می‌دهد که تأثیر این عوامل متعدد جامعه‌پذیری (خانواده، مدرسه، گروه همسالان و رسانه‌ها) در درونی کردن هنجارهای اجتماعی و فرهنگ عمومی کارآمد و مؤثر نباشند. واضح است که در چنین وضعیتی جامعه‌پذیری افراد دچار اختلال می‌شود (رابرتسون، ۱۳۷۴). از طرف دیگر شفاف نبودن برخی مقررات و قوانین و ضوابط نه تنها موجب ابهام در فراگیری این دسته از قوانین موجب می‌شود، بلکه گریز از قوانین دیگر را نیز تسهیل می‌کند.

همچنین از دیگر عوامل مؤثر بر قانون‌گرایی در بین شهروندان استان آذربایجان غربی می‌توان به تبعیت افراد از قانون به خاطر عواقب و پیامدهای احتمالی منفی آن اشاره کرد. در تبیین این مطلب می‌توان به دیدگاه بکر (گاروپا، ۲۰۰۰: ۲۷۸ و ۲۰۰۷: ۴۶) استناد کرد. افراد در تصمیم‌گیری به منظور رعایت یا سرپیچی از قانون از این مکانیزم کمک می‌گیرند که پیامدهای مورد انتظار در انجام اعمال مجرمانه را با پیامدهای انجام آن عمل به شکل قانونی مقایسه می‌نمایند. با توجه به این مکانیزم مقایسه ذهنی افراد، چنانچه مجریان قانون اطمینان و شدت تنبیه را افزایش دهند، جرم‌جاذبیت کمتری پیدا می‌کند و برعکس، در صورت اعمال عواقب کیفری کم ارزش برای هرگونه اعمال قانون‌گریزانه، احتمال ارتکاب افزایش می‌یابد. کارکردگرایان نیز معتقدند که بی‌قانونی و اعمال خلاف مقررات، برای خلافکاران و قانون‌گریزان کارکرد مثبت و سازنده دارند و منافع تمنیات آنها را برآورده می‌سازد. لذا آنها حاضر نیستند از منافع خود چشم‌پوشند و از اعمال خلاف قانون دست بردارند (خاتمی، ۱۳۷۷: ۶). کلمن در مفهوم کنش هدفمند اظهار می‌دارد که کنشگر بر اساس نظریه و مفهوم عقلانیت اقتصادی کنشی را انتخاب می‌کند که حداکثر فایده را نصیب او سازد» (رضایی، ۱۳۸۴: ۵۲).

در تبیین یافته فوق، نظریه پردازان یادگیری اجتماعی بر اهمیت فرایندها و عامل‌های شناختی در کجروی اجتماعی تکیه می‌کنند. آنها متذکر می‌شوند که انسان می‌تواند پیامدهای احتمالی اعمال خود را پیش‌بینی کرده و رفتار خود را بر وفق آن تغییر دهند. براساس این الگو، می‌توان گفت توانایی پیش‌بینی پیامدهای مورد انتظار

شهروندان از اعمال قانون‌گريزانه بر تنظيم رفتار آنها مؤثر است. یافته‌های پژوهش‌های گذشته در این زمینه مانند رضایی (۱۳۸۴)، علوی تبار (۱۳۷۶)، کلاتری و صداقت (۱۳۸۴) و اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان آذربایجان غربی (۱۳۷۵ : ۱) با نتایج این تحقیق همسو است.

پیشنهادات کاربردی

۱- با توجه به یافته‌های این پژوهش مبنی بر این که عمومیت قانون مهم‌ترین پیشبین‌کننده قانون‌گرایی بوده است، لذا پیشنهاد می‌شود به منظور تعمیم و تعمیق قانون‌گرایی در فرهنگ عمومی شایسته است قوانین طوری تدوین شود که دربرگیرنده نیازهای منطقی تمامی افراد جامعه به ویژه سازمان پلیس باشد و در صورت ارتکاب به هر نوع اعمال غیرقانونی، تمام آحاد جامعه به یک اندازه مورد بازخواست قرار گیرند.

۲- همچنین با توجه به نتایج به دست آمده از تحلیل مسیر مبنی بر رابطه معنا داری بین باورها و اعمال و مناسک مذهبی و قانونمندی، می‌توان نتیجه گرفت اهتمام بیشتر نسبت به تربیت باورهای دینی و نهادینه کردن آن موجب کاهش کجروی‌ها و قانون‌گریزی در جامعه می‌شود. به عبارتی، استفاده از نهادهای دینی و مذهبی در امر ترویج قانون‌پذیری به ویژه از طریق تریبون نماز جمعه، مساجد، نماز جماعت، اماکن دینی و مذهبی ضروری است که روحانیون و علمای دینی عامه مردم را به اجرای قانون ترغیب کنند.

۳- یکی دیگر از عوامل مؤثر بر قانون‌گرایی در این پژوهش میزان استفاده شهروندان از رسانه‌های گروهی بود. می‌توان با اتخاذ تدابیر کارشناسانه در خصوص اطلاع‌رسانی از طرق رسانه‌های گروهی بویژه محلی به تقویت رفتار قانونمندان کمک کرد.

۴- اصلاح و تنقیح قوانین منطقه‌ای، مطابق با شرایط و مقتضیات امروزی جامعه به ویژه با ارزش‌های چند قومیتی استان‌ها با مشارکت مردم و با مدیریت افراد شایسته، قابل اعتماد و منتخب مردم، طوری که قوانین از انعطاف‌پذیری و پویایی لازم برخوردار باشد و نیازهای مردم این مرز و بوم را تأمین کند. زیرا حدود ۵۵/۴ درصد از پاسخگویان معتقدند قوانین جامعه ما از انعطاف‌پذیری و پویایی لازم برخوردار نیست.

۵- پلیس به عنوان ضابط قضایی، تأمین کننده امنیت در جامعه، آیینة جامعه و پاسبان اجرای قانون باید بکوشد در سطح پیشگیری اولیه، شهروندان و افراد زیرمجموعه خود را با حقوق و قوانین اساسی و مصوبات آشنا کرده و لزوم احترام و رعایت قوانین را در سطح کلان و خرد در بین افراد جامعه نهادینه سازد و یادآوری کند که حقوق شهروندان تا زمانی مورد حمایت است که به قوانین، حقوق و آزادی های دیگر شهروندان و امنیت اجتماع تعرض نشود، در آن صورت، اقدامات پلیس که به ظاهر مخالف حقوق شهروندی و به واقع، در راستای تأمین حقوق شهروندی است، مورد ایراد و انتقاد قرار نخواهد گرفت. با تقویت سازمان های غیر دولتی و مردم نهاد در فعالیت های ارشادی پلیسی در حوزه آموزش (تنظیم محتوای مطالب آموزشی، رایحه آموزش و...) می توان از قانون گریزی ممانعت به عمل می آورد. همچنین با تشکیل پلیس اجتماعی و مدیریت آن به صورت غیردولتی و مردمی در هر محله یا منطقه خاص جهت کمک به کاریبایی مجرمان پس از تحمل مجازات یا کمک به امور جاری آنان و رسیدگی به امور آن محله می توان قانون گرایی، آرامش و امنیت مبتنی بر مشارکت مردم را فراهم کرد. آن وقت، اعتماد متقابل میان پلیس و جامعه ایجاد می شود. اعتماد به عنوان یکی از اجزای مهم سرمایه اجتماعی، تأثیر بسیار زیادی در کاهش هزینه های آسیب های اجتماعی جامعه، همبستگی و همکاری اجتماعی و کاهش کنترل و نظارت اجتماعی دارد.

منابع

- اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان آذربایجان غربی (۱۳۷۵). روحیه قانون‌پذیری و علل و عوامل تضعیف و یا تقویت آن در جامعه، ارومیه: دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی استان آذربایجان غربی.
- خاتمی، عیسی (۱۳۷۷). راهکارهای نهادینه شدن قانون‌گرایی در فرهنگ عمومی. مجموعه مقالات همایش قانون و قانون‌گرایی و تأثیر آن بر فرهنگ عمومی، ارومیه: اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- رابرتسون، یان (۱۳۷۴). درآمدی بر جامعه: با تأکید بر نظریه‌های کارکرد گرایی، ستیز و کنش متقابل نمادین. ترجمه حسین بهروان، ج ۲، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- رازقی سید ابو صالحی، نادر (۱۳۷۷). توسعه اقتصادی، اجتماعی و قانون‌شکنی. مجموعه مقالات همایش قانون و قانون‌گرایی و تأثیر آن بر فرهنگ عمومی، ارومیه: اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی آذربایجان غربی.
- رضایی، محمد (۱۳۸۴). میزان، نوع و عوامل مؤثر بر قانون‌گریزی، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ششم، شماره ۳: ۴۷-۶۹.
- رفیع پور، فرامرز (۱۳۷۸). توسعه و تضاد، چاپ سوم، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- سلیمی، علی و داوری، محمد (۱۳۸۶). مجموعه مطالعات کجروی و کنترل اجتماعی؛ جامعه‌شناسی کجروی، ویراست دوم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه: ۵۳۴-۵۳۵.
- سیف، علی اکبر (۱۳۷۳). تغییر رفتار و رفتار درمانی: نظریه‌ها و روش‌ها، تهران: نشر دانا.
- شیخی، محمد تقی (۱۳۷۷). توسعه فرهنگی پیشنیاز قانون‌پذیری جامعه-تحلیلی جامعه‌شناختی. مجموعه مقالات همایش قانون و قانون‌گرایی و تأثیر آن بر فرهنگ عمومی، ارومیه: اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- صالحی، مصطفی (۱۳۷۸). عوامل و موانع قانون‌گرایی. فصلنامه فرهنگی و اجتماعی شورای فرهنگ عمومی ارشاد اسلامی، پاییز و زمستان، شماره ۲۰-۲۱: ۱۰۲.
- علوی تبار، علیرضا (۱۳۷۶). در بررسی روحیه جمعی و قانون‌پذیری در جامعه. تهران: اداره کل دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی.

- وردی نیا، علی (۱۳۷۳). میزان قانون ستیزی در استان مازندران، ارومیه: دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی استان آذربایجان غربی.
- فخرایی، سیروس (۱۳۷۸). بررسی میزان قانون پذیری و عوامل مؤثر بر آن. فصلنامه فرهنگی و اجتماعی شورای فرهنگ عمومی ارشاد اسلامی ۲۰-۲۱: ۶۴-۸۰.
- کلانتری، صمد، ربانی، رسول و صداقت، کامران (۱۳۸۴). ارتباط فقر با قانون گریزی و شکل گیری آسیب های اجتماعی. فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره ۱۸: ۶۵-۹۰.
- محسنی، رضا علی (۱۳۸۴). رابطه قانون گرایی با کاهش جرم (قسمت اول)، ماهنامه دادرسی، سال نهم، شماره ۵۱، ۵-۹.
- محسنی، منوچهر (۱۳۷۸). اطاعت از قانون در ایران، فصلنامه فرهنگ عمومی، ۲۰-۲۱: ۸۱-۸۶.
- مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه های صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۷). نظرسنجی از مردم تهران درباره میزان قانون پذیری و چگونگی رعایت قانون، تهران: صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران.
- معیدفر، (۱۳۷۹). جامعه شناسی مسایل اجتماعی معاصر در ایران، تهران: انتشارات سرزمین ما.
- هرگنهان، بی. آر. (۱۳۸۲). مقدمه ای بر نظریه های یادگیری، مترجم علی اکبر سیف، ویرایش ششم، تهران: نشر دوران.
- یعقوبی، صمد (۱۳۸۱). بررسی پدیده قانون گرایی و قانون گریزی در بین شهروندان - تبریزی، تبریز: مرکز افکار سنجی دانشجویان.

-Burkett, Steven R. (2001). Religion and crime in BRYANT, C.D. (ed.) juvenile delinquency Philadelphia: Bruner: 449-451.

-Garoupa, N. (2007). Optimal law enforcement and criminal organization, Journal of Economic Behavior & Organization, 63: 461-474.

-Garoupa, N. (2000) The economics of organized crime and optimal law enforcement. Economic Inquiry, 38, 278-288.